

تعهدات و تقای نادرخان برای بدست آوردن کمک های بیشتر از انگلیس ها

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

در یکی از اسناد گذشته دیدیم که انگلیس ها نمیخواستند در رساندن نادر خان به قدرت اسناد تحریری بجا بگذارند. اسنادی را که درین قسمت به علاقمندان تاریخ معاصر افغانستان تقدیم میکنم، نه تنها یک نمونه دیگری از آن اسناد قبلی بوده، بلکه از تعهدات و امتیازات مهمی پرده برمیدارد که نادرخان در بدل کمک های نظامی، مالی و استخباراتی انگلیس ها قبل از رسیدن به تاج و تخت کابل سپرده است.

Minute Paper.

Register No.
P.
6910

SECRET.

POLITICAL DEPARTMENT.

Date: 2192

Initials.

SUBJECT.

5249

سند فوق کاپی یک صفحه از دوسیه اسناد آرشیف انگلستان را نشان میدهد که از آن بحیث منبع اسناد مورد بحث امروزی ما استفاده شده است. درین کاپی شماره ثبت، عنوان یعنی اوراق صورتجلسات محرمانه دیپارتمنت سیاسی مربوط به افغانستان با تاریخ آن به مشاهده میرسد. قسمت های ازین اسناد حال از محرمت برآمده و بدسترس محققین قرار دارد.

ناکامی ها و شکست های متواتر هفت ماهه نادرخان و برادرانش در ماه های اپریل، جون، جولای، اگست و سپتمبر ۱۹۲۹ سبب شد تا بیش از هفت ماه نتوانستند مطابق نقشه طرح شده پلان شانرا به پیش ببرند. نادر خان برخلاف آنچه در اول تصور کرده بود، درک مینماید که تنها با پشتیبانی اقوام داخلی و بدون کمک مؤثر انگلیس ها نمیتواند کامیابی اش را تامین کند. لذا مجبور میشود یکتن از نمایندگان خاص خود، حاجی محمد اکبر خان یوسفی، را که به لسان انگلیسی آشنائی کافی داشت، سابق بحیث قونسل در بمبئی ایفای وظیفه مینمود و با «دینس بری» سکرتر امور خارجی حکومت هند بریتانوی هم سابقه شناسائی داشت، بفرستد، تا مطالباتش را به مامورین عالیرتبه انگلیس ها تقدیم کند.

میکوناچی، نماینده سیاسی انگلیس ها در ایجنسی کرم بتاریخ ۱۰ اگست ۱۹۲۹ اطلاع میدهد که «نادر خان در مکتوب مؤرخ ۹ اگست نوشته است که وی حاجی محمد اکبر را راجع به موضوعات افغانستان برای تبادل نظر با دفتر خارجه به شیمله میفرستد. وی درین رابطه خواهان امکانات است. لطفا بصورت عاجل از طریق تلگرام هدایت دهید». (تلگرام شماره ۳۵/۷۳۴/سی مؤرخ ۱۰ اگست ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت، پاراچار، به ایالت سرحدی شمال غربی و کاپی به شیمله).

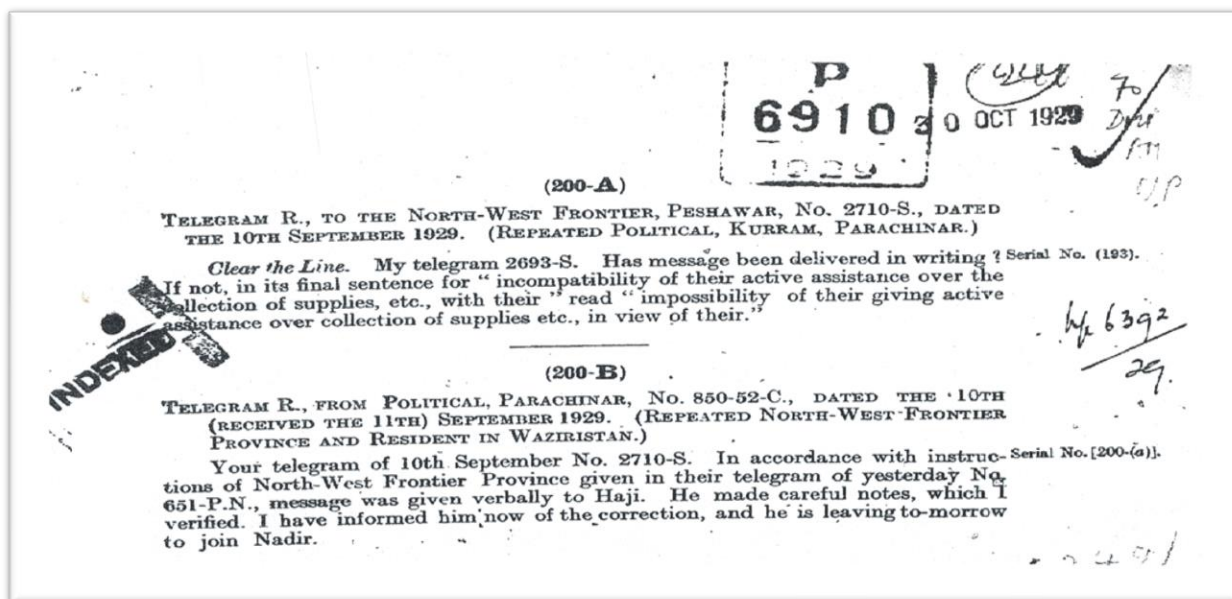
وی به تعقیب همان تلگرام به تاریخ ۱۳ اگست تلگرام دیگری فرستاده و مینویسد که «حاجی محمد اکبر رسیده است و منتظر هدایت میباشد». (تلگرام ۴۸/۷۴۷/سی مؤرخ ۱۳ اگست پولیتیکل ایجنت پاراچار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی).

در جواب از شیمله هدایت داده میشود که «به حاجی محمد اکبر باید اطلاع داد که نماینده سیاسی در پارا چنار آماده است تا هر پیامی را که وی حمل میکند، بشنود. در غیر آن اگر حاجی ترجیح میدهد که پیامش را به کمشنر عالی تسلیم کند، امکانات سفرش به پشاور آماده خواهد شد.» (تلگرام شماره ۲۶۴۶ مؤرخ ۲ سپتمبر ۱۹۲۹).

ایجنت سیاسی از پاراچنار بتاريخ سوم سپتمبر ۱۹۲۹ اطلاع داد که حاجی محمد اکبر با مکتوبی از محمد نادر خان نزد او آمد. نادر خان درین مکتوب به اکبر خان صلاحیت داده بود تا نظریات او (نادرخان) را به حکومت هند بریتانوی انتقال داده و منتظر دستور بماند. نادر خان گفته بود که نه دادن کمک در وقت مشکلات فراموش شده میتواند، و نه خلق کردن مشکلات. از جمله چهار نکته که نادر خان مطرح کرده بود، نکته سوم آن راجع به پول بود: «پول ضرورت اولیه تنظیم لشکر در افغانستان میباشد.» در نکته چهارم نادر خان از مقامات انگلیسی خواسته بود تا به اقوام وزیر و مسعود، که تصمیم گرفته بودند به او کمک کنند، اجازه این کار داده شود.» (اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۱/۸۱۹ سی مؤرخ ۳ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت پاراچنار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی. L/P&S/10/1301).

در فوق کاپی دو تلگرام دیگر درین رابطه را میبینیم:

- در تلگرام اول از کمشنر عالی ایالت سرحدی پرسیده میشود که «آیا پیغام [برای نادرخان توسط حاجی محمد اکبر



خان-زمانی] به صورت تحریری داده شد؟ اگر داده نشده باشد، در جمله آخر به عوض "ناسازگاری کمک فعال آنها به عوض جمع آوری ذخایر و غیره، با "ناممکن بودن کمک فعال آنها به عوض جمع آوری ذخایر و غیره، با توجه به آنها" خوانده شود.»

– در تلگرام دوم به جواب آن میخوانیم که «پیغام به حاجی به صورت شفاهی داده شد. وی به دقت یادداشت گرفت، من آنرا ارزیابی نمودم. من همین حالا از تصحیح به وی اطلاع دادم. او فردا میرود تا با نادر ببینند.» (اسناد آرشیف انگلستان، دوسیه سیاسی و محرم شماره L/P&S/10/1301)

TELEGRAM R., FROM THE NORTH-WEST FRONTIER PROVINCE, NATHIAGALI, No. 714-P.N., DATED (AND RECEIVED) THE 16TH SEPTEMBER 1929.
Reference Political Kurram's telegram of 11th September No. 850-52-C. Fol. Serial 1
Following telegram has been received from Political, Parachinar, 858-59-C., 14th September. Begins. Haji Mohamed Akbar returned to Parachinar to-day with a reply from Nadir to Government of India's letter. I have written down this answer which contains further request, and am despatching by post. Haji returns to Ali Khel to-morrow, and will attend for orders when summoned. Ends.

در تلگرام فوق میخوانیم که «حاجی محمد اکبر امروز با جوابی از نادر به حکومت هند به پاراچنار برگشته است. من این جواب های وی را که حاوی تقاضا های بیشتر میباشد، یادداشت نموده و از طریق پست میفرستم. حاجی فردا به علی خیل برمیگردد. وی تا وقتی که احضار شود، منتظر احکام بعدی میباشد.» (همانجا)

TELEGRAM P., FROM NORTH-WEST FRONTIER, NATHIAGALI, No. 724-P.N., DATED (AND RECEIVED) THE 18TH SEPTEMBER 1929.
Priority. Telegram No. 2788-S., from your office. Nadir's reply is being posted to-day. He prefaces it with reiterating his gratitude and appreciation of treatment received by him in India. The expression of appreciation Government of India that he has mentioned his difficulties to them he regards as sign of friendship and sympathy. He points out that in reigns of three previous Amirs Frontier tribes, who are bound by ties of religion and kinship participated in Afghan affairs. Now inspite of the fact, that, from day of his return, the tribes have expressed continually their wish to join in fighting he has refused to allow them to do so until it was finally realised that matters could not be settled by tribes of Southern Provinces, etc. He did not regard his action in invoking the aid of tribes as other than ordinary and usual as Government of India not intimated that he should not do so. He therefore yielded to the wishes of the tribes. He was surprised that Government of India had only prohibited their tribes from participation at this stage but he is prepared to seek advice from Government of India in a spirit of friendship and sincerity regarding the measures to be taken to send tribes back while safeguarding his own interests at the same time and preventing upheaval among the tribes themselves. Nadir realise that if no such plan can be concerted he has no strength to oppose Habibulla with the inevitable result that there will be prolonged chaos in Afghanistan and a fate similar to that of the late Ali Ahmad Jan's family for his. Should it be considered by Government of India that participation of tribes is contrary to their policy and should they therefore decline to offer friendly advice on the subject, in other words should they not wish to oppose Habibulla, even then so as not to incur Government's displeasure Nadir will change his attitude. He will give up all opposition to Habibulla and come to whatever place Government of India will provide for him if Government of India will guarantee restoration of peace in Afghanistan and safety of his relatives and friends.
Finally he says that his object in sending Haji Muhammad Akbar to Simla was that he should make known his laudable plans before establishing Central Government. There are (1) closer relations between Britain and Afghanistan, (2) decrease of close relations now existing between Russia and Afghanistan and restriction of harmful Bolshevik propaganda now rife in East, (3) plans for construction of Chaman-Kandahar-Ierat and Kandahar-Kabul Railways by agency of British Government, (4) the relations of Southern and Eastern tribes with Afghanistan to be placed on footing agreeable to Government of India, (5) Provided that Afghanistan's independence will be maintained the acceptance of subsidy previously paid to Amir.

نکات عمده مکتوب مهم نادر خان را، که در آن تعهدات و امتیازات مهم نادر خان به انگلیس ها ذکر شده است، درین تلگرام نشان داده میشود :

درین تلگرام میخوانیم که «جواب نادر امروز از طریق پست به شما فرستاده شد. او در مقدمه با حق شناسی از پیش آمد حکومت هند با وی تکرارا ابراز قدردانی مینماید.

اظهار قدردانی ازینکه که توانست مشکلات خود را به ایشان ذکر کند، و آنرا نشانه دوستی و همدردی میدانند..... نادر درک کرده است که اگر چنین پلانی [یعنی اگر حکومت هند بریتانوی به قبایل آنطرف سرحد اجازه ندهد که به او کمک و معاونت نماید] تحقق نیابد، او دیگر توانمندی مقابله با حبیب الله [کلکانی] را ندارد در نتیجه افغانستان بصورت اجتناب ناپذیر دچار هرج و مرج دوامدار و تباهی خواهد شد، و سرنوشت شبیه مرحوم علی احمد جان و خانواده اش [منظور توهین و به

توب بسته کردن والی احمد خان توسط سکوی ها] برای او و خانواده اش. اگر حکومت هند اشتراک قبایل [ماورای سرحد] را خلاف پالیسی شان بدارد و اگر درین رابطه دادن مشوره دوستانه را رد کند، به عبارت دیگر اگر حکومت هند خواهش مقابله با حبیب الله را نداشته باشد، نادر رویه اش را تغییر خواهد داد. وی از تمام مخالفت با حبیب الله دست برداشته و به هر جائیکه حکومت هند برایش تهیه کند خواهد رفت بشرطیکه حکومت هند اعاده صلح در افغانستان وامنیت خویشاوندان و دوستانش را تضمین کند.

در آخر او [نادرخان] میگوید که هدف از فرستادن حاجی محمد اکبر به شیمله این بود که قبل از استقرار یک حکومت مرکزی پلان های قابل ستایش اش را روشن کند. این پلان ها عبارتند از:

1. روابط نزدیکتر بین بریتانیا و افغانستان
2. تقلیل روابط موجود بین روسیه و افغانستان و جلوگیری از تبلیغات بلشویک ها که اکنون در شرق گسترده است .
3. پلان ساختمان خط آهن چمن قندهار و هرات ، و قندهار کابل توسط مؤسسات حکومت بریتانیا.
4. تنظیم روابط قبایل جنوب و شرق با افغانستان به اساسی که برای حکومت هند قابل قبول باشد.
5. افغانستان با وصف استقلال (!) معاشات مستمری را که به امیران سابق میداد، قبول کند. « (تلگرام شماره ۷۲۴ مؤرخ ۱۸ سپتمبر ۱۹۲۹ راجع به نقاط عمده مکتوب نادرخان).

منابع:

1. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام ۴۸/۷۴۷/سی مؤرخ ۱۳ اگست پولیتیکل ایجنت پاراچنار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی.
2. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۶۴۶ مؤرخ ۲ سپتمبر ۱۹۲۹ .
3. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۱/۸۱۹ سی مؤرخ ۳ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت پاراچنار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی. L/P&S/10/1301.
4. اسناد آرشیف انگلستان، دوسیه سیاسی و محرم شماره L/P&S/10/1301
5. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۲۴ مؤرخ ۱۸ سپتمبر ۱۹۲۹ راجع به نقاط عمده مکتوب نادر خان .

(پایان)